

مشاور فرمانده کل سپاه:

برخی، حقایق دفاع مقدس را تا سطح درک خود تنزل می‌دهند

کدام بخش بیانات امام درباره قطعنامه ۵۹۸ سانسور می‌شود؟



«در مظلومیت دوران دفاع‌مقدس همین بس که امروز کسانی رسالت خود را در سکولاریزه کردن آن دوران می‌بینند.»

حمیدرضا مقدم‌فر، مشاور رسانه‌ای فرمانده کل سپاه در گفت‌وگویی با سایت خبرآنلاین به سوالات مختلف درباره جنگ تحمیلی و واقعیات آغاز و پایان جنگ پاسخ داده است. این گفت‌وگو شامل پاسخ به شبهاتی است که بویژه طی چند سال اخیر توسط جریان‌های ضد دفاع‌مقدس برای تردید افکندن درباره مساله دفاع در برابر حمله رژیم بعث عراق منتشر می‌شود.

خبرنگار در این مصاحبه راجع به شبهات مربوط به شروع جنگ تحمیلی و نیز مسائل مربوط بـه ادامه جنگ بعد از آزادسازی خرمشهر سوالاتی مطرح کرده و حمیدرضا مقدم‌فر به آنها پاسخ داده است.

مقدم‌فر در بخشی از این گفت‌وگو در پاسخ به این سوال که «جعبه سیاه جنگ شامل چه مسائلی می‌شود و چه زمانی به نظر شما باید کاملاً باز شود؟» می‌گوید: بر خلاف انتظار شما باید گفت این جعبه سیاه باز شده است، منتها برخی نمی‌خواهند اطلاعات آن را ببینند و بشنوند.

او راجع به مساله بنی‌صدر نیز تاکید کرده است که درباره بنی‌صدر مساله اختلاف و مدیریت چندگانه نبود، اختلاف در ابعاد نگرشی و بینشی بود. او می‌گوید: با استراتژی زمین در برابر زمان، زمینه تسلط صدام بر بخش‌هایی از سرزمین‌مان فراهم شد.

چکیده‌ای از این مصاحبه در ذیل می‌آید و در ادامه، مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

■ **جعبه سیاه جنگ نزد سیا و موساد است. در این جعبه سیاه آمران و عاملان و حامیان و ستون پنجمی‌ها مشخص شده‌اند. بر خلاف انتظار شما باید گفت این جعبه سیاه باز شده است، منتها برخی نمی‌خواهند اطلاعات آن را ببینند و بشنوند.**
■ **درباره چرایی ادامه جنگ بعد از آزادسازی خرمشهر باید گفت** بخش‌های مهمی از خاک ایران عزیزمان همچنان در اشغال صدامیان قرار داشت و تجاوزگری صدام خسارت‌های مادی و معنوی بسیاری برای ما ایجاد کرده بود و از همه مهم‌تر قبول آتش‌بس که در صداقت طراحان آن نیز بنا به سوابق تاریخی تردید جدی وجود دارد، تکلیف متجاوز بودن صدام را مشخص نمی‌کرد و به همین علت حتی اگر آتش‌بس منجر به مذاکره برای پایان جنگ می‌شد معلوم نبود خسارت‌های ایران پرداخت شود و چه‌بسا با شار لاتان بازی و ظلمی مسبوق به سابقه، نهادهای بین‌المللی ما را مجبور به پرداخت بخشی از خسارت‌های عراق هم می‌کردند. آتش‌بس تنها فرصتی برای بازسازی ارتش عراق برای تهاجمات سنگین‌تر بعدی و طولانی شدن جنگ بود...

■ **میراث‌داران شهدا** کسانی‌اند که مانند امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای مدظله از عملکرد خود در جنگ نادم و پشیمان نیستند و انقلابی بودن را تنها راه نجات مملکت از مشکلات می‌دانند. میراث‌خواران جنگ آنها هستند که دست‌اندرکار تئوریزه کردن سازش با دشمن هستند و نعمت استقلال را کفران می‌کنند و جامعه را به ذلت وابستگی سوق می‌دهند. میراث‌خواران جنگ مفسدان و رانت‌خوارانی هستند که به خاطر منافع مادی چهره مشعشع انقلاب را کدر می‌کنند.

■ **اگر چنین حادثه‌ای در کشور دیگری با ابعادی به مراتب کوچک‌تر از آنچه در کشور ما اتفاق افتاد به وقوع می‌پیوست، اهالی فرهنگ و هنر و سیاست از کاه واقعیات آن کوهی از اسطوره و افتخار می‌آفرینند و سالیان سال آن را سرمایه عزت و سربلندی سرزمین‌شان می‌کردند.**

در مظلومیت دوران دفاع‌مقدس همین بس که امروز کسانی رسالت خود را در سکولاریزه کردن آن دوران می‌بینند. ■ متأسفانه برخی از این واقعه چنان یاد می‌کنند که گویا امام خمینی (ره) از عملکرد خود و مردم در جنگ نادم و پشیمان شده بود. پذیرش قطعنامه استراتژی امام (ره) نبود بلکه تاکتیکی بود برای برون‌رفت انقلاب اسلامی از موانعی که می‌توانست منجر به توقف روند رو به پیشرفت آن باشد. امام خمینی (ره) در پیام استقامت‌شان تلاش کردند برای همیشه تاریخ این شهید را در آذهان از بین ببرند. بسیاری از کسانی که از نوشیدن جام زهر سخن می‌گویند عمداً از این بخش از بیانات امام (ره) سخن نمی‌گویند. ***

■ **دلایل مختلفی اعم از تسخیر لانه جاسوسی، تسویه داخلی نیروهای ارتش، تضعیف لشکر زرهی خوزستان و بی‌توجهی مسؤولان وقت به هشداری رکن ۲ ارتش برای آغاز جنگ بیان می‌شود، نظر شما چیست؟**

برشماری چنین دلایلی این شائبه را ایجاد می‌کند که به ریشه‌های بیرونی و انگیزه‌های تجاوز کارانه رژیم صدام و مقاصد حامیان او در کشورهای شرقی و غربی برای براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی توجه نشده است. واقعیت آن است که در تحمیل جنگ از سوی جبهه متحد غرب و شرق و با عاملیت صدام علل و عوامل مهمی دخالت داشته‌اند که تاکنون در تحقیقات مربوط به دفاع‌مقدس و از زبان مسؤولان سیاسی و فرماندهان سپاه و ارتش به آنها اشاره شده است.

یکی از دلایل جنگ تحمیلی ریشه در تحلیل جهان‌خواران شرق و غرب از وقوع انقلاب اسلامی داشت. آنها انقلاب اسلامی را به عنوان یک پدیده و رخداد مقطعی تحلیل نمی‌کردند و بخوبی آن را فرایندی که معادلات سیاسی را در استراتژیک‌ترین منطقه جغرافیایی جهان تغییر خواهد داد،

ارزیابی می‌کردند. ماهیت و شعارهای انقلاب اسلامی و انگیزه انقلابی مردمی که به رهبری امام خمینی (ره) توانسته بودند مقتدرترین دیکتاتور دست‌نشانده غرب و آمریکا را در این منطقه استراتژیک به زیر بکشند، دل‌های ملت‌های مسلمان و انقلابیون و آزادیخواهان را تسخیر کرده بود و سیر حوادث از آینده‌ای خبر می‌داد که منجر به بیداری اسلامی در کشورهای منطقه شود. به همین دلیل تصمیم گرفتند بذر این درخت تنومند را تا هنوز جوانه نزده است به در آورند و از آن آینده محتوم جلوگیری کنند.

عامل دیگر جنگ انگیزه‌های بلندپروازانه و جاه‌طلبی‌های صدام بود. حذف شاه فرصتی را برای صدام پدید آورد تا حقارت ناشی از قرارداد الجزایر را جبران و خود را به عنوان ژاندارم جدید خلیج‌فارس و قدرت برتر منطقه معرفی کند.

صدام با درک رعب و وحشتی که با وقوع انقلاب اسلامی در سران کشورهای حاشیه خلیج‌فارس افتاده بود می‌خواست با پرچمداری جنگ با ایران، به عنوان قهرمان خود را معرفی کند و رهبری جهان عرب را به دست گیرد. البته برخی از موارد نظیر آنچه در سوال مطرح کرده‌اید ممکن است عزم او را برای سرعت‌بخشیدن به شروع جنگ افزایش داده باشند. یکی از مسائلی که در تحلیل زمان شروع جنگ وجود دارد اشتباه محاسباتی صدام از توان رزمی و حمایت مردمی از نظام اسلامی بود. درست است که او آسیب‌ها را شناسایی کرده بود اما از اینکه جنگ به جای ایجاد شکاف بین مردم و نظام جمهوری اسلامی منجر به پیوند مستحکم‌تر آنان با نظام اسلامی و افزایش روحیه انقلابی آنان خواهد شد تحلیل درستی نداشت.

میراث‌خواران جنگ آنها هستند که دست‌اندرکار تئوریزه کردن سازش با دشمن هستند و نعمت استقلال را کفران می‌کنند و جامعه را به ذلت وابستگی سوق می‌دهند. میراث‌خواران جنگ مفسدان و رانت‌خوارانی هستند که به خاطر منافع مادی چهره مشعشع انقلاب را کدر می‌کنند.

■ **چه خاطره‌ای از ایام آغاز جنگ تحمیلی دارید؟**

خاطرهم مربوط به شنیدن اولین واکنش امام خمینی (ره) نسبت به شروع جنگ است. معتقدم این پیام انقلابی دیگر در مردم ایجاد و روحیه مقاومت را در مردمی که با اتحاد و یکپارچگی شاه را از میان برداشته بودند چندین درجه ارتقا داد. امام راحل (ره) ابهت صدام را در آذهان مردم شکست و از او به دیوانه‌ای یاد کرد که سنی که چاه انداخته است.

■ **از همان ابتدای جنگ تحمیلی تا روزهای پایانی صحبت از مدیریت چندگانه در جنگ مطرح بود، بنی‌صدر هم از این اتفاق گله داشت، بعد از او نیز مساله اختلاف سپاه و ارتش مطرح بود؛ اوج آن بعد از فتح خرمشهر بود که به گفته سرهنگ کتبیبه، ارتش به استناد پیام صدام معتقد به پذیرش پایان جنگ بود اما آقایان رضایی و هاشمی‌رفسنجانی مخالف بودند و در نهایت هم اسام (ره) رای به ادامه جنگ دادند. این روزها برخی منتقدان به استناد عملیات‌هایی همچون والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵ و تعداد شهدای آنها، معتقدند جنگ پس از فتح خرمشهر باید با پایان می‌یافت و تصور فتح بصره اشتباه بود. همچنین برخی ناآشنایی سپاه با فنون رزمی را از عوامل موثر در افزایش هزینه‌های جانی و مالی در جنگ می‌دانند. نظر شما چیست؟ چه پاسخی به این مدعیان دارید؟**

یکی از مهم‌ترین اشکالات در تحلیل و تفسیر وقایع تاریخی، حاکمیت نگاه امروزی است. ما با عینک سلاقی و گرایشات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امروز نمی‌توانیم واقعیت رخدادهای گذشته را تحلیل کنیم. یکی دیگر از اشکالات تحلیل رخدادها نه براساس مبدأ وقوع آنها بلکه از منظر نتایجی است که امروز براحتی در اختیار ما قرار دارد. امروز چون نتیجه یک تصمیم برای ما روشن است درباره آن تصمیم به تصمیم‌گیرندگان‌شان نظر می‌دهیم. ما باید خود را در شرایط واقعی تصمیم‌گیرندگان قرار دهیم و بررسی کنیم اگر در آن مقطع زمانی با شرایط حاکم بر حیطه

تصمیم‌گیری بودیم، چگونه تصمیم می‌گرفتیم. درباره اختلافات فرماندهان جنگ نیز تاکنون مطالب مختلفی از زبان فرماندهان اصلی جنگ بیان شده است. واقعیت این است که بخشی از این اختلافات در روش‌ها را باید طبیعی به حساب آورد. مگر امروز در تیم اقتصادی دولت اختلاف دیدگاه وجود ندارد و مگر برخی از این اختلافات تأثیر منفی بر وضعیت اقتصادی مردم ندارد. مهم این است که مدیران تلاش می‌کنند در ظرفیت‌های سازماندهی شده و با تقسیم مسؤولیت تأثیر منفی این اختلافات را به حداقل برسانند. جنگ نیز از این قاعده مستثنا نیست.

اما درباره بنی‌صدر مساله اختلاف و مدیریت چندگانه نبود، اختلاف در ابعاد نگرشی و بینشی بود. او با استراتژی زمین در برابر زمان زمینه تسلط صدام بر بخش‌هایی از سرزمین‌مان را فراهم آورد.

درباره پایان جنگ پس از فتح خرمشهر نیز باید گفت اگر چه فتح خرمشهر و آزادسازی آن از چنگال دژخیمان بعثی پیروزی و دستاورد مهم و شگفت‌انگیز و بی‌نظیری بوده است اما برخی آن را طوری مطرح می‌کنند که گویا با فتح خرمشهر همه مسائل جنگ حل شده بود و پافشاری ایران بر استمرار جنگ منجر به خسارت‌هایی‌شد که شما نیز در سوال به برخی از آنها اشاره کرده‌اید.

واقعیت آن است که فتح خرمشهر ضربه‌ای کاری به ارتش صدام وارد کرد و منجر به دلهره سران کشورهای حامی صدام شد. دقت کنید آنچه آنها دنبال می‌کردند بر خلاف آنچه شما در سوال به آن اشاره کرده‌اید پایان جنگ نبود بلکه آتش‌بس بود.

میراث‌داران شهدا کسانی‌اند که مانند امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای مدظله از عملکرد خود در جنگ نادم و پشیمان نیستند و انقلابی بودن را تنها راه نجات مملکت از مشکلات می‌دانند.

ایین در حالی بود که بخش‌های مهمی از خاک ایران عزیزمان همچنان در اشغال صدامیان قرار داشت و تجاوزگری صدام خسارت‌های مادی و معنوی بسیاری برای ما ایجاد کرده بود و از همه مهم‌تر قبول آتش‌بس که در صداقت طراحان آن نیز بنا به سوابق تاریخی تردید جدی وجود دارد، تکلیف متجاوز بودن صدام را مشخص نمی‌کرد و به همین علت حتی اگر آتش‌بس منجر به مذاکره برای پایان جنگ می‌شد معلوم نبود خسارت‌های ایران پرداخت شود و چه‌بسا با شار لاتان بازی و ظلمی مسبوق به سابقه نهادهای بین‌المللی ما را مجبور به پرداخت بخشی از خسارت‌های عراق هم می‌کردند.

آتش‌بس تنها فرصتی برای بازسازی ارتش عراق برای تهاجمات سنگین‌تر بعدی و طولانی شدن جنگ بود. چه کسی تضمین می‌دهد اگر ما آتش‌بس را می‌پذیرفتیم جنگ به سرعت خاتمه می‌یافت. آنها حتی شروع مذاکرات را منوط به آتش‌بس کرده بودند. سوال ما از مدعیان پایان جنگ پس از فتح خرمشهر این است که اگر ما آتش‌بس را می‌پذیرفتیم و دشمنان همان کاری که با دارایی‌های ما پس از سقوط شاه خائن کردند درباره پرداخت غرامت به ما می‌کردند و صدام تصمیم می‌گرفت از بخش‌های تحت تصرف خود خارج نشود ما باید چه می‌کردیم؟

■ **درباره دلایل پایان جنگ و پذیرش قطعنامه نیز روایت‌ها مختلف است؛ از استهلاک نیروی نظامی و مردمی گرفته تا تجهیز مجدد ارتش عراق، کدام روایت قرین به واقع است؟**
تصمیمی که امام امت از آن به عنوان «نوشیدن جام زهر» یاد کردند را چطور ارزیابی می‌کنید؟

واقعیت آن است که هم بخشی از توانمندی ما مستهلک شده بود و هم پشتیبانی قدرت‌های بزرگ از صدام در بخش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جنگ بیشتر شده بود. شما مواضع دفاعی صامیان را در عملیات فتح المبین، بیت‌المقدس و کربلای ۵ را که با هم مقایسه می‌کنید متوجه حضور نرم‌افزاری آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در کنار ارتش صدام می‌شوید

از سوی دیگر پشتیبانی آمریکایی‌ها صورت جدی‌تری به خود گرفت. آنان عملاً به نفع صدام وارد میدان جنگ شدند. حمله به هواپیمای مسافری با هدف اعلام این حضور آشکار

انجام شد. در چنین شرایطی امام خمینی (ره) تصمیم به پذیرش قطعنامه گرفتند که از آن به عنوان «نوشیدن جام زهر» یاد کردند. اما مایلم در اینجا ایـن نکته را تذکر دهم که پذیرش قطننامه و نوشیدن به اصطلاح جام زهر نباید پشیمانی امام خمینی (ره) از راه طی شده قلمداد شود.

متأسفانه برخی از این واقعه چنان یاد می‌کنند که گویا اسام خمینی (ره) از عملکرد خود و مردم در جنگ نادم و پشیمان شده بود. پذیرش قطعنامه استراتژی امام (ره) نبود بلکه تاکتیکی بود برای برون رفت انقلاب اسلامی از موانعی که می‌توانست منجر به توقف روند رو به پیشرفت آن باشد.

امام خمینی (ره) در پیام استقامت‌شان تلاش کردند برای همیشه تاریخ این شهید را در آذهان از بین ببرند. بسیاری از کسانی که از نوشیدن جام زهر سخن می‌گویند عمداً از این بخش از بیانات امام (ره) سخن نمی‌گویند. ایشان در پیامی که مشهور به منشور روحانیت شده است، می‌فرمایند: «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و زکالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوتاه نظرنده‌انهایی که خیال می‌کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بی‌فایده است!» در حالی که صدای اسلامخواهی آفریقا از جنگ ۸ ساله ماست، علاقه به اسلام‌شناسی مردم در آمریکا، اروپا، آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ ۸ ساله ماست. من در اینجا از ماسدارن و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خواندن می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی ببزدیم. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم، راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است.

ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل کرد و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید نکردند. آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاده، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است، نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خودفروخته در اظهارنظر‌ها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب‌الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی‌اش عدول می‌کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟»

■ **جعبه سیاه جنگ شامل چه مسائلی می‌شود و چه زمانی به نظر شما باید کاملاً باز شود؟**

جعبه سیاه جنگ نزد سیا و موساد است. در این جعبه سیاه آمران و عاملان و حامیان و ستون‌پنجمی‌ها مشخص شده‌اند. برخلاف انتظار شما باید گفت این جعبه سیاه باز شده است منتها برخی نمی‌خواهند اطلاعات آن را ببینند و بشنوند. ■ **برخی معتقد به تحریف تاریخ دفاع‌مقدس هستند و می‌گویند بیشتر از بیان واقعیات به اسطوره‌سازی و قدیس‌سازی پرداخته شده است، نظر شما چیست؟**

یکی از جفاهایی که همیشه در طول تاریخ به ارزش‌های والا شده عادی‌سازی و عرفی‌سازی آنهاست. می‌گویند برخی از کسانی که قدرت درک حقایق را ندارند حقایق را به زیر می‌شکنند و تا سطح درک خود تنزل می‌دهند. امروز نیز عدای با حقایق مشعشع دوران دفاع‌مقدس چنین کاری می‌کنند

اگر چنین حادثه‌ای در کشور دیگری با ابعادی به مراتب کوچک‌تر از آنچه در کشور ما اتفاق افتاد به‌وقوع می‌پیوست اهالی فرهنگ و هنر و سیاست از کاه واقعیات آن کوهی از اسطوره و افتخار می‌آفرینند و سالیان سال آن را سرمایه